

زهره نجفی؛ مرکز توانمندسازی حاکمیت و جامعه در گزارش‌های میدانی به نموده‌های آشکار و خاد فقر و نابرابری در جامعه می‌پردازد و می‌کوشد مسائل و مصائب فقرا را به گوش سیاست‌گذاران، نهادهای حاکمیتی و عموم مردم برساند تا برای ساماندهی و رسیدگی به آن و مقابله با ریشه‌های بروز این وضعیت کوشش شود. در گزارش پیش‌رو، به یکی از نموده‌های آشکار فقر در مناطق شهری ایران؛ یعنی زباله‌گردی پرداخته شده است.

در نزدیکی یکی از بوستان‌های مرکز شهر، روبه‌روی سطل زباله‌ای منتظر بودم. در کمتر از نیم‌ساعت سه نفر به سراغ این سطل زباله آمدند، تا کمر به داخل آن خم شدند، چیزی برداشتند و در گونی وصله‌پینه‌شده‌شان انداختند و رفتند؛ یک سطل زباله معمولی در مرکز شهر که هیچ ویژگی خصوصی نداشت که زباله‌های داخل آن مورد مطلوبی برای بازیافت به حساب بیاید، یک سطل زباله کاملاً معمولی در یک محل کاملاً معمولی و متوسط! همین سطل زباله روزانه میزبان ده‌ها نفر می‌شود تا وسایل معیشت‌شان را درون آن جست‌وجو کنند.

زباله‌گردی به این شکل و با این کردگرگی قطعا از معضلات نوظهور جامعه ماست؛ نه صرفا محدود به تهران و شهرهای بزرگ است و نه محدود به مناطق شمال‌شهر. تقریباً در تمام شهرستان‌ها و شهرهای کوچک و در فرودست‌ترین مناطق هر شهر نیز اوضاع به همین منوال است. پیش از این نیز بودند افراد بی‌سرنیاهی که در میان زباله‌ها به دنبال مواد خوراکی و مواد قابل استفاده می‌گشتند، اما این شکل جدید از زباله‌گردی؛ یعنی زباله‌گردی به‌عنوان یک شغل که افرادی به استخدام یک پیمانکار دربیانند و روزانه ۱۲،۱۰ ساعت به این کار اشتغال داشته باشند، قطعا پدیده‌ای نوظهور است که عمری کمتر از سه یا چهار سال دارد. همین ابتدای گزارش یک توضیح راجع به لفظ خود زباله‌گرد ضروری به نظر می‌رسد. در میان مسئولان و مردم عادی هستند افرادی که سعی دارند با تغییر واژه‌ها از بار پدیده‌ها کم کنند؛ مثلا استفاده از پاکبان به‌جای رفتگر یا کارگر بازیافت به‌جای زباله‌گرد. تفسیر و آرایش الفاظ هیچ تأثیری در تغییر و بهبود واقعیت موجود ندارد و از بار آن نمی‌کاهد. کارگری که از صبح تا شب، تمام زندگی و فعالیت روزانه‌اش با زباله و پسماند گره خورده و تمام هستی و وجودش به همین بُعد تقلیل یافته، واقعیت زندگی‌اش دقیقا در همین واژه عینیت می‌یابد؛ زباله‌گرد، آشغال‌جمع‌کن. بدون تلاش در تزئین و آراستن کلام، این واژه‌ها هر هیراب ترش پتک بر گوش خواننده فرود بیاید تا هیراب آثار مناسبات و ساختارهای به‌وجودآورنده خود را زنده



از جمله شادآباد، یافت‌آباد، پاسگاه نعمت‌آباد، فرحزاد، شهر قدس، کهریزک، شهریار، رباط‌کریم، قرقچ و بیشوا پراکنده‌اند. سال ۹۶ وقتی در گازرا‌ها را روی ما باز کردند، با وضعیت عجیبی روبه‌رو شدیم، متوجه شدیم کودکان در اتاقک‌هایی میان زباله‌ها زندگی می‌کنند و انواع و اقسام جانوران مودی و کثیف در محل زندگی‌شان پیدا می‌شود، به‌طوری‌که حتی آتاری از گازرفنگی توسط موش میانشان دیده می‌شد. کودکان وقتی شب‌ها به این گازرا‌ها می‌رسند، آن‌قدر خسته‌اند که با آسیب جانوران بیدار نمی‌شوند. ازاین‌رو بهائیت، سل، حبصه و انواع بیماری‌های عفونی میانشان شایع است.»

سوسن مازیارفر در مصاحبه با خبرنگارمه مقابله با فقر و فساد درباره زندگی روزمره این کودکان می‌گوید: «کار این کودکان هر روز صبح ساعت هشت شروع می‌شود. آنها با وانت‌هایی به مناطقی که باید بروند، فرستاده می‌شوند. برخی موارد بوده است که این وانت‌ها چپ کرده‌اند و کودکان دچار مشکلات جدی مثل شکستگی ستون فقرات شده‌اند. این در حالی است که این کودکان از هیچ پوشش درمانی‌ای برخوردار نیستند و مشکلات این‌چنینی به راحتی منجر به مرگ آنها می‌شود. زباله‌گردها در خیابان نیز در امنیت نیستند؛ کودکان از آن‌ها می‌ترسند و به داخل گازرا‌ز راه نمی‌دهند و مجبورند از در و دیوار و به صورت پنهانی وارد شوند. ازاین‌رو برای پرس‌وجو درباره وضعیت اسکان کودکان در داخل این گازرا‌ها به سراسر یکی از اعضای جمعیت امسام علی رقتیم که مسئول طرح پژوهشی درباره وضعیت کودکان زباله‌گرد در این نهاد است. مازیارفر می‌گوید: «این گازرا‌ها در نقاط مختلفی،

زباله‌گردها؛ آخرین حلقه از مافیای بازیافت زباله و پسماند

واقعیت زباله‌گردی



درامان‌مانندن از آزار آنها باید مبلغ ۲۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان پرداخت کنند که کارت مخصوصی به‌آنها داده شود. مواردی از آزارهای کلامی تا جسمی و فیزیکی کودکان به دست این مأموران ثبت شده است». از این فصال حقوق کودکان درباره موفقیت و نتایج طرح تحقیقی و پژوهشی که جمعیت امام علی درباره کودکان زباله‌گرد انجام داده است، می‌پرسیم: «سال ۹۶ نتایج تحقیقات‌مان را که حاصل گفت‌وگو با چند هزار کودک زباله‌گرد و بازدید از محل زندگی آنها بود، به ارگان‌های ذی‌ربط مثل شهرداری، وزارت بهداشت و وزارت کار ارائه دادیم. ابتدا از اساس منکر وجود این کودکان می‌شدند و می‌گفتند ما کودک زباله‌گرد نداریم، اینها زباله‌دزد هستند. اما بعد از اثبات فاجعه و بازدید مسئولان از این گازرا‌ها تنها نتیجه این بود که شهرداری فهمید در این ماجرا کلاه بزرگی سرش رفته و مزایده‌ها را به قیمتی به مراتب پایین‌تر از قیمت واقعی برگزار کرده است. تحقیق ما گرچه باعث هیچ بهبودی در وضعیت زندگی زباله‌گردها و به‌خصوص کودکان نشد، اما برای شهرداری این منفعت را داشت که قیمت واگذاری مناطق را تا چندین برابر افزایش دهد. حتی شنیده‌ام که شهرداری‌ها امسال مستقلا کارشناسانی را برای تخمین ارزش زباله‌های هر منطقه استخدام کرده‌اند». او در پایان می‌گوید: «روش‌های جایگزین و آزمایش‌شده و موفق بسیاری برای تفکیک زباله وجود دارد اما پولی که این میان ردوبدل می‌شود، آن‌قدر زیاد است که ناممکن است در آینده نزدیک معضلات و مشکلات زباله‌گردها حل شود.»

که از این میزان، سهم شهرداری ۳۰ درصد و سهم جمع‌آوری غیررسمی ۷۰ درصد بوده است. زباله‌گردی صنعت پرسودی است که ثروت زیادی در آن جابه‌جا می‌شود، مبلغ تقریبی‌ای که یک پیمانکار برای حق امتیاز بازیافت پسماندهای یک منطقه شهری در تهران پرداخت می‌کند ماهانه سه میلیارد تومان است که به گفته برخی از پژوهشگران این مبلغ نیمی از هزینه‌های شهرداری‌ها را پوشش می‌دهد. بنابراین چرایی این موضوع را که زباله‌گردی طی چندین سال گذشته تا این حد فراگیر شده است، باید در مناسبات اقتصادی حاکم بر این پدیده و به اصطلاح در گنجی که از قبل رنج زباله‌گردها برای پیمانکاران و شهرداری‌ها و سایر ذی‌نفعان حاصل می‌شود، جست‌وجو کرد.

البته این موضوع را نباید از نظر دور داشت که اوضاع نابسامان اقتصادی و وجود فقر و بی‌کاری گسترده در کشور در رانده‌شدن اقشار فرودست به سمت زباله‌گردی نقش بسزایی داشته است. در گفت‌وگو با زباله‌گردها گرچه اکثر آنها به‌خصوص افراد بزرگسال از وجود انگلی پیمانکاران و واسطه‌ها شاکي بودند، اما از این موضوع نیز که شیوه فعلی بازیافت زباله به نحوی تغییر کند که آنها سهم کار را هم از دست بدهند، اظهار نگرانی می‌کردند. بازیافت زباله و پسماند به شکل موجود آن به غریان‌ترین شکل ممکن منطق جنگل را بازنمایی می‌کند که در آن موجودات ضعیف‌تر توسط موجودات قوی‌تر بلعیده می‌شوند.

زباله‌گردی‌هایی که در خیابان‌ها پرسه می‌زنند، آخرین حلقه و معلول نهایی این سیستم مافیایی و پیچیده‌اند که قربانی صاحب‌کارا‌زهای خرد، دلال‌های جز، پیمانکاران و شهرداری‌ها می‌شوند. شهرداری با پیمانکاران قرارداد می‌بندد. پیمانکار اصلی و پیمانکاران رده سوم و چهارم چه نیروی کاری ارزان‌تر از کودکان می‌توانند داشته باشند که چون کودک هستند نمی‌توانند حق خود را مطالبه کرده و حتی از خود دفاع کنند. همین است که برخی پیمانکاران شهرداری‌ها به صورت گسترده از این کودکان استفاده می‌کنند. همین چند سال پیش بود که قبلمی از بریدن گوش یکی از این کودکان زباله‌گرد به دست یک پیمانکار منتشرشد. شهرداری‌ها و نهادهای سیاست‌گذاری شهری به خوبی از وضعیت زندگی و معیشت این زباله‌گردها آگاهی دارند، یا دست‌کم اگر کوچک‌ترین اراده‌ای در کار باشد، آگاهی از این وضعیت اصلا دشوار نیست. با وجود این هیچ نهاد و دستگاهی تمایلی ندارد به این مسئله ورود کند، چراکه به گفته برخی از مسئولان ورود به این مسئله و صحبت از تغییر سازوکارهای بازیافت زباله و پسماند موضوع خطرناک و دردسرسازی است.

علل وریشه‌های بروز فقر در ایران تله فقر

یعقوب اندایش ـ کارشناس اقتصادی فقر

واقعی باشد، فقیرزا خواهد بود و اگر با کسری مداوم و چاپ پول همراه باشد که طبقات فقیر را افزایش خواهد داد. فساد می‌تواند از عوامل اصلی فقر باشد. سهم نیروی کار از ارزش‌افزوده به نسبت متوسط جهانی بسیار پایین است و حتی حالت عکس دارد که قدرت خرید نیروی کار را کاهش می‌دهد و به عایدی صاحبان سرمایه می‌افزاید. سیاست‌های بازتوزیع مثل مالیات‌ها و یارانه‌ها هم نتوانسته‌اند در عمل کارا باشند و به ترتیب به طور بهینه خانوارهای ثروتمند و فقیر را هدف قرار دهند.

فساد در عرضه پول غیرقابل کنترل توسط بانک‌ها و چاپ پول، نظام بانکداری و ارتباط آن با بخش‌های نامولد به جای بخش‌های مولد، ساختار خازرنامه بانک‌ها که تورم‌زا بوده نقش دارد و از قدرت خرید طبقه فقیر و متوسط دائمی می‌کاهد و سیاست‌های حمایتی را خنثی می‌کند. زنجیره توزیع کالا به گونه‌ای است که هزینه‌های مبادله سنگینی را بر خانوارها تحمیل می‌کند. نظام آموزشی که تقاضامحور و مبتنی بر کسب مهارت نیست، شایسته‌سالاری در به‌کارگیری نیروی کار در بخش عمومی آن وجود ندارد و ضد انگیزش برای کسب دانش است. نظام بهداشتی و درمانی نیز کارا عمل نمی‌کند و هزینه‌های زیادی را بر بیمه‌ها و خانوارها تحمیل می‌کند.

از این دست عوامل ساختاری در کشور غیرقابل مهار شده‌اند و در عمل در بلندمدت و میان‌مدت نیز برنامہ‌پذیر نبوده و نیستیم و سخت انتظار می‌رود اراده قوی تغییر در آن وجود داشته باشد. تا زمانی که این ساختارهای عقب‌برنده شکننده وجود داشته باشند، سیاست‌های مکمل حمایتی، توانمندسازی و فعال بازار کار فقط در کوتاه‌مدت تسکین‌دهنده فقر خواهند بود و در بلندمدت از تله فقر رهایی نخواهیم یافت.

زباله‌گردها اگر گهگاهی موضوع بحث قرار می‌گیرند، به خاطر نمای زشتی است که به شهر می‌دهند. آنها چهره شهر را زشت می‌کنند، حضورشان در معابر با آن گونی‌های کثیف و پر از زباله و ظاهر ناآراسته‌شان، ممکن است به چهره آراسته و لاکچری شهر خلل وارد کرده و حال شهروندان را مشتمن کند. مسئله زباله‌گردها تا آنجایی مسئله است که در سطح شهر حضور دارند؛ اگر به طریقی بتوان از شر حضور غریبان‌شان در شهر خلاص شد، دیگر مسئله‌ای باقی نمی‌ماند. از همین روست که هرازچندگاهی مسئولان چندین نهاد و سازمان دور هم می‌نشینند و طرح و منصوبه‌ای برای پاکسازی خیابان‌های شهر از دست این عناصر مزاحم و اضافی صادر می‌کنند. همین چند ماه پیش در یکی از این جلسات که جهت سازماندهی کودکان کار و زباله‌گرد کرج با حضور شهرداری و نیروی انتظامی کرج برگزار شده بود، مقرر شد هر هفته «۱۰ نفر» از این کودکان جمع‌آوری شوند و برای تعیین تکلیف، با همکاری مرکز غربالگری کودکان کار و خیابان‌کرج، به اداره کل بهزستی استان تحویل داده شوند. حتی اگر قرار بود برای پاکسازی خیابان‌ها از یکی از المان‌های شهری هم تصمیم گرفته شود، لازم بود درایت بیشتری به خرج داده شود، چه برسد هفته «۱۰ نفر» از این کودکان جمع‌آوری شوند و برای تعیین تکلیف، با همکاری مرکز غربالگری کودکان کار دست مصوبات با این پدیده‌های اجتماعی توجه کنید: جمع‌آوری، هفته‌ای ۱۰ کودک).

این در حالی است که کاملاً روشن است برای درک واقعیت زباله‌گردی باید به عوامل به‌وجودآورنده آن، به سیاست‌گذاری‌های شهرداری‌ها و مناسبات قدرت حاکم بر آن رجوع کرد. شهرداری‌ها، پیمانکاران و زباله‌گردها سه ضلع اصلی معضل زباله‌گردی به شکل موجود آن هستند. شهرداری‌ها برای واگذاری امتیاز تفکیک زباله‌های هر منطقه مزایده‌ای برگزار می‌کنند.

قیمت‌گذاری‌ها متناسب با منطقه موردنظر صورت می‌گیرد، به این ترتیب که امتیاز تفکیک مناطق شمال شهر با قیمت‌های بالاتری به مزایده گذاشته و به پیمانکاران واگذار می‌شود. گزارش‌های رسمی و غیررسمی حاکی از آن است که پول‌های هنگفتی در این حوزه جابه‌جا می‌شود و گردش مالی در حوزه پسماند به طرز عجیبی بالاست. کوروش آصف‌نویزی، شهرساز و پژوهشگر شهری در نشست تخصصی شهرساز و پژوهشگر شهری در نشست تخصصی آسیب‌شناسی زباله‌گردی در تهران که چند ماه قبل در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی برگزار شد، گردش مالی پسماند خشک شهر تهران را در سال ۹۷، دوهزارو ۶۰۰ میلیارد تومان برآورد کرد

برنامه‌های متنوع برای آموزش به افراد جامعه گرفته تا برگزاری کردهایی‌ها یا برقراری ارتباط و تماس با یک مقام رسمی و تشویق او برای مبارزه با فقر در جامعه. حمایتگری اجتماعی به هر طریقی که انجام شود، نتیجه‌ای جز یاری‌رساندن به ریشه‌کن‌کردن فقر در پی نخواهد داشت. بنابراین پیشنهاد می‌شود از ابزار حمایتگری اجتماعی برای شنیده‌شدن صدای فقرا در جامعه استفاده شود.

نقشه راه مطلوب فقرزدایی

یکی از اهداف اصلی برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی، رفع فقر و محرومیت در کشور بوده است؛ به‌گونه‌ای که همواره مسئله فقر در برنامه‌های توسعه ایران با مرائتی از شدت و ضعف، مورد اهتمام قرار گرفته است. این در حالی است که با وجود تأکید بر ضرورت توانمندسازی محرومان و فقرا در برنامه‌های توسعه کشور، مسئله وجود فقر در ایران همچنان ادامه دارد.

با توجه به تجربه کشورهای پیشرو و توسعه‌یافته، کاهش و تحدید فقر، علاوه بر آنکه رشد‌یاب‌دا را به ارمغان می‌آورد، فرصت‌های اقتصادی بهتری را نیز برای افراد جامعه فراهم می‌کند. در نتیجه، تدوین یک استراتژی مطلوب فقرزدایی می‌تواند نقشه راه مناسبی را پیش‌روی سیاست‌گذاران ترسیم کند.پیش‌شرط تدوین یک استراتژی مطلوب فقرزدایی، مستلزم شناخت و آگاهی از مفهوم فقر و ابعاد آن است؛ به عبارت دیگر، فهم روشمند از مسئله فقر می‌تواند کشور را در تدوین برنامه‌های فقرزدایی یاری رساند. از طرف دیگر، برنامه‌ها در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در بخش عمومی و نهادهای مسئول رسانده و دولت را وادار کند از روش‌هایی مانند ایجاد بازارهای کار بهتر برای افراد فقیر و اشتغال شایسته به‌منظور یاری‌رساندن به فقرا استفاده کند.

سازمان‌های مردم‌نهاد، انجمن‌ها، تشکل‌ها و سایر نهادهای مدنی غیردولتی نیز می‌توانند نقش مؤثری در مشارکت بیشتر فقرا در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی، از طریق بستر حمایتگری اجتماعی ایفا کنند.

منابع:

۱- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸): دلایل فقر پایدار در ایران و پیشنهادهایی برای خروج از فقر، معاونت پژوهشی اقتصادی دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل: ۲۲-۱۶۵۴۴، تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۵/۲۸
۲- بانک جهانی (۱۳۹۵): توانمندسازی و کاهش فقر، ترجمه فرزام پوراصغر سنگاچین و جواد رضانی، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، زمستان ۱۳۹۴
۳- ارضروم چیلر، نسرين (۱۳۸۴): ابعاد گوناگون فقر در ایران، مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۷

«دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی

مونا امیری؛ فقر، دغدغهٔ معیشت و تأمین نیازهای **اولیه افراد جامعه** از جمله **مفاهیم اولیه** و **اساسی** در **ادبیات توسعه** است. **همچنین**، فقر یکی از **جدی‌ترین** و **مهم‌ترین معضلات قرن حاضر محسوب می‌شود** که **هزینه‌های انسانی سنگینی** را بر **اجتماع تحمیل می‌کند**. **ازاین‌رو ریشه‌نهی فقر در زمره *اولویت‌های تمامی حکومت‌ها و دولت‌هاست***. **برخلاف آنچه پیش از این تصور می‌شد، فقر به‌تنهایی یک متغیر اقتصادی و تک‌بعدی نیست، بلکه دربرگیرنده مفهومی جامع و چندبعدی است که کل طیف زندگی بشر را دربر می‌گیرد**. به عبارت دیگر، **امروزه بر همگان آشکار شده که علاوه بر کمبود یا نبود درآمد، نداشتن قابلیت لازم خروج از فقر برای افراد فقیر نیز از علت‌های اصلی فقر است**.

گذری بر وضعیت فقر در ایران

بنا بر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۸)، ایران با وجود آنکه در زمره کشورهای است که به‌لحاظ نرخ فقر در وضعیت مناسب‌تری نسبت به برخی کشورهای درحال‌توسعه یا کمترتوسعه‌یافته (با نرخ‌های فقر مطلق ۳۰ تا ۴۰ درصد) قرار دارد، اما همچنان موضوع فقر

مطلق در آن مطرح است. براساس برآورد این مرکز، نرخ فقر در سال ۱۳۹۶ به‌طور متوسط در کل کشور ۱۶ درصد بوده است که هرچند نسبت به برخی کشورهای درحال‌توسعه در وضعیت بهتری قرار دارد، اما نیازمند آن است که همچنان به دلایل ایجاد فقر و همچنین راهکارهای قانونی برای کاهش آن پرداخته شود.

آمارهای بانک جهانی نیز بهبود اوضاع فقر در ایران را نوید می‌دهند. در گزارش‌های منتشرشده از سوی بانک جهانی، افرادی که درآمد روزانه ۱٫۹۰ دلار دارند، در زمره افرادی هستند که فقر مطلق به سر می‌برند. براساس این معیار، در ایران فقر مطلق، ۰٫۴ درصد در سال ۲۰۰۵ به ۰٫۳ درصد در سال ۲۰۱۶ رسیده است؛ ازاین‌رو وضعیت ایران از نظر فقر مطلق بهبود یافته اما همچنان راه درازی برای ریشه‌کنی فقر در پیش است.

بر مسئله فقر و ریشه‌کنی آن در قانون اساسی کشورمان به‌صراحت و گاهی ضنی تأکید شده است؛ برای نمونه، اصل چهل‌وسوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر ریشه‌کنی فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد اقتصادی با حفظ آزادی‌گی تأکید می‌کند. تأمین نیازهای اساسی مانند مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت و درمان، آموزش و یورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده نیز مورد توجه قرار گرفته است.

اصل بیست‌ونهم قانون اساسی، برخورداری از تأمین اجتماعی، بازنشتگی، بی‌کاری، پیری، ازکارافتادگی، بی‌پرسرستی، دراهماندگی، حوادث و سوانح و نظایر آنها را

چند راهکار برای برون رفت از فقر و نابرابری

حلقه‌های مفقوده مبارزه با فقر

توانمندسازی و کاهش فقر

حوزه توانمندسازی و کاهش فقر یکی از حوزه‌های بسیار تأثیرگذار و مهم اجتماعی است که پس از مطرح‌شدن مباحث توسعه و کاهش فقر، بیش از پیش مرکز توجه قرار

گرفته است. رویکردهای توانمندسازی بر ارتقای آزادی دامنه انتخاب و عمل فقرا تأکید دارد، به عبارت دیگر، توانمندسازی اقشار فقیر، برای اثربخشی توسعه بسیار حیاتی است.

رویکرد توانمندسازی برای پیشرفت و تقویت مردم فقیر، در بطن توسعه قرار دارد و به فقر به‌جای مشکل به‌عنوان یک منبع و راه‌حل مهم نگاه می‌کند. این رویکرد به هویت فقرا ارج نهاده و آن را به رسمیت می‌شناسد. این مفهوم بر تغییر و درگونگی در عقاید، افکار و رفتارهایی دلالت دارد که با‌یزکاران خارجی را وارد مباحث کاهش فقر می‌کند. بنابراین، روش توانمندسازی باید بر نقاط قوت مردم فقیر، دانش، مهارت‌ها، ارزش‌ها، نوآوری‌ها و انگیزه‌های آنان برای حل مشکلات و مدیریت منابع به‌منظور خروج از گردونه فقر بنا گذاشته شود.

این رویکرد با فقرا با احترام و متناسب با شان و منزلت آنان رفتار می‌کند (بانک جهانی، ۱۳۹۵).

توانمندسازی به‌عنوان اصلی‌ترین جهت‌گیری دولت در مبارزه با فقر، به راهی جز ایجاد اشتغال منتهی نخواهد شد. درعین‌حال ماهیت فقر ایجاد می‌کند اشتغال هدفدار در این زمینه زودبازده بوده و به‌سادگی قابل حصول باشد. بنابراین آموزش افراد جویای کار و شناسایی زمینه‌های ایجاد مشاغل زودبازده در بخش‌های کشاورزی، دامداری، صیادی، صنایع دستی و… برای واگذاری به افراد جویای کار، از اقدامات لازم در راستای توانمندسازی فقراست (ارضروم چیلر، ۱۳۸۴).

حمایتگری و کاهش فقر

تعاریفی که از حمایتگری اجتماعی ارائه می‌شود، بسیار متنوع است؛ هرچند همه تعاریف موجود، به لحاظ زبان و مفهوم اشتراکاتی دارند. باین‌حال، توجه به این نکته ضروری است که حمایتگری، اول از همه چیز، فرایندی محسوب می‌شود که در دوره زمانی نامشخص، گاهی کوتاه و گاهی طولانی‌مدت، انجام می‌شود. این فرایند، استراتژیک است و انجام‌دادن اقدامات هدفمندی را از سوی ذی‌نفعان و تصمیم‌گیرندگان اصلی می‌طلبد. حمایتگری اجتماعی همیشه در نظر دارد بر خط‌مشی‌ها، قوانین، مقررات و برنامه‌ها در بالاترین سطوح تصمیم‌گیری در بخش عمومی و خصوصی تأثیر بگذارد. به‌طور خلاصه، حمایتگری اجتماعی در ساده‌ترین شکل عبارت است از عملی که به اثرگذاری یا پشتیبانی از چیزی یا کسی منجر می‌شود.

یکی از مؤثرترین روش‌های حمایتگری اجتماعی، ایجاد سازمان‌ها و نهادهایی است که در زمینه پایان‌دادن به فقر و ایجاد تغییر، فعالیت و حمایتگری می‌کنند. این حمایتگری می‌تواند به روش‌های مختلفی انجام شود؛ از تدوین